

به نام خدا

آقاخان

«فازین پدر»

نوشته:

الهه محمدی



سرشناسه : محمدی، الهه.
عنوان و نام پدیدآور : آتناز (نازنین پدر) / نوشته الهه محمدی
مشخصات نشر : تهران، شقایق، ۱۳۸۹
مشخصات ظاهری : ۳۷۷ ص
شابک : 978-964-216-038-9
وضعیت فهرست نویسی : فیبا.
موضوع : داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴
رده بندی کنگره : ۱۳۸۹ ۴۲/۴۳۶۳۴ ح / PIR۸۲۰۳
رده بندی دیویی : ۸۳/۶۲ ف ۳
شماره کتابشناسی ملی : ۲۲۴۹۹۳۵



آتناز

نوشته: الهه محمدی

چاپ اول: ۱۳۹۱

چاپ: چاپ پیک

تیراژ: ۱۱۰۰

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۱۶-۰۳۸-۹

خیابان انقلاب - خ ۱۲ فروردین - کوچه بهشت آئین - پلاک ۱۶

تلفن ۰۳۲۹۹۶۴۰۶۴۸۲۸۶۴۹۶۴۰۱۷۷۲۶۴۰ فاکس ۶۶۴۹۶۶۹۲

قیمت: ۹۵۰۰ تومان

www.shaghayeghbooks.com

www.shaghayeghbooks.ir

www.shaghayeghbooks.org

هر گونه استفاده از جلد و متن کتاب
اعم از ریز تراکیب، بازآرایی، ضبط کامپیوتری، تهیه CD بدون اجازه
کتابی ناشر و مولف مجوع است.
متخلفان به موجب بند ۵ از ماده ۲ قانون حمایت از مؤلفان،
مصنفان و هنرمندان تحت پیگرد قانونی قرار می گیرند.

تقدیم به آینه‌ی معصومانه‌ترین نگاه که این سؤال بی‌جواب، برق
اشکِ همیشگی چشمانِ مهربانش بود:
«دخترِ خوشبختی یا نه؟!» برای پدرم
الهه محمدی - بهار ۱۳۸۸

مقدمه:

بر فراز بلندی ایستادم تا پستی و بلندی‌های شهر را زیر نگاهم
گیرم. لبخند تلخ شهر، برایم معنا کرد ناهمواری زندگی من فراتر
از اوست.
بر فراز صخره‌ای از سنگ‌های ساحل نشستم و به عمق
دریا نگریستم. موج‌های بی‌امان با نسیمی کوتاه بر دل صخره‌ها
می‌کوبید تا بدانم فراتر از آب‌های اقیانوس گریسته‌ام.
رو به روی آینه‌ای شفاف به خود نگریستم. مردی که چشمانم
رگه‌هایی از خاکستر، آتش‌نگاهی معصومانه در خود کشیده
بود تا مثال آن خاکستر نشینم کند.
دستان مهربان و پرتمنایش، آخرین تکیه‌گاهم نشد! جفای
روزگار را می‌دید و خود خاکستر می‌شد تا آبی بیکران عشق در
زند و بر خاکستر ناچیز خط خطی نگاهم غلبه کند.

روشنی نگاهش از لابه لای سیاهی روزگارم گذشت و چون
خورشیدی عالمتاب تقدیرم را زیر و رو کرد. با حضور
بی همتایش بر وجود پرتمنایش اصرار کرد!!! خاکستر نشین
عشقم شد!

آتش های نیم سوخته ای اطرافم را نسیمی شد تا حرص نگاهم
در بناه چشمان شیدایش تابناک بماند. دست های بلندش را چون
عقاب تیز پرواز دور وجودم حصار کرد و مثال پیچک عشق،
جای جفا های روزگار به دور تنم پیچید: «آنا»

نویسنده - بهار ۱۳۸۸